

بخش نهم

فردغ و روشنایی

این بخش در برگیرنده ۳۶۲ نام مییاشد.

آبید - زبانه آتش •
 آتاش - آتش • آذر •
 آتاشا - آتش • آر • آذر •
 آترش - (مانند آترم) : آتش •
 آتره - (مانند پایور) : آتش •
 آتری آفرید - آفریده آتش •
 آتری آفرین - زاده آتش •
 آتری بانو - بانوی آتش •
 آتری دخت - (آتری مانند آشتی) :
 دختر آتش •
 آتری داد - آفریده آتش •
 آتری زاد - زاده آتش •
 آتش افروز - زیبا • خوشگل • پرشور •
 آتش بهار - گل سرخ و لاله •
 آتشپاره - زیبا • گیرا • پرشور و خروش
 آتش دم - گرم • آتشین • پرشور •
 آتش رنگ - زیبارو • گلگون •
 آتش روز - خورشید •
 آتش قام - آتشین • آتش رنگ • گلگون •
 آتش فروغ - پرتو و فروغ آتش •
 آتشك - آتشپاره •
 آتشگون - مانند آتش •
 آتش گهر - بانژاد • والالتبار •
 آتشممان - مانند آتش •
 آتش مهر - آتش خورشید • پرمهر •
 آتش نما - مانند آتش •
 آتشوش - همانند آتش •
 آتشیزه - آتش کم فروخته و گیرا •

آتشین - مانند آتش •
 آتوراناهیت - آتش ناهید • آتشکده ای
 در استخر فارس بسیار با شکوه •
 آتور ناهید - آتش ناهید •
 آذر - آتش • آتور •
 آذر آفرید - زاده آتش •
 آذر آفرین - آفریده آتش •
 آذرباد - نگهبان آتش •
 آذر بانو - بانوی آتش •
 آذر بخت - بخت بلند • شاد بخت •
 آذربوخت - رستگار ایزد آتش •
 آذر خورشید - آتش خورشید • گرم • و
 با شکوه • درخشان و فروزنده •
 آذر دخت - دختر آتش • گرمابخش •
 آذر دیس - مانند آتش •
 آذر روز - نیکبخت • شادمان • فرشته
 نگهبان آتش •
 آذر زاد - آفریده آتش •
 آذر شین - مرغ سمندر • همنشین آتش
 آذر فروز - فروزنده آتش •
 آذرك - آتش دوست داشتنی •
 آذرگان - جایگاه آتش •
 آذرگون - مانند آتش • گلگون • زیبا •
 آذرنگ - روشن • پر فروغ •
 آذرمان - مانند آتش •
 آذرنوش - آتش جاویدانی •
 آذریار - همدم آتش •
 آذرین - آتشین •

آذرین دخت - دختر آتش • گرم و زیبا •
 آذیش - آتشین •
 آریانو - بانوی آتش • گرم و پرمهر •
 آریار - دارنده میوه آتشین •
 آریام - آتش درخشان •
 آریخت - بخت آتشین • نیکبخت •
 آریاك - آتش پاك و اشویی •
 آرتاب - آتش تابان •
 آرتاپيك - آتش تابنده و درخشان •
 آرتاج - تاج آتش •
 آردخت - دختر آتش •
 آر روز - آتشین روز • نیکبخت • روشن
 آرشاد - شاد آتشین •
 آرشید - آتش فرو زنده •
 آرفروز - فروزنده آتش •
 آرگون - آتشین مانند • همسان آتش •
 آر گوهر - آتشین نژاد • پاك تبار •
 آرمه - آتش ماه •
 آرمن - (مانند کارگر) : دارنده اندیشه
 پاك آتشین • نیکدل و با مهر •
 آرنار - نار آتشین •
 آرناز - آتش دوست داشتنی • زیبا •
 آرناهید - آتش ایزد باوری و سرسبزی
 آرنوش - آتش جاوید •
 آرنیک - آتش خوب •
 آر هو - آتش خوب • آتش نیک و پاك •
 آرهور - آتش خورشید • فروزان •
 آفتاب - روشنایی خورشید • می ناب

آفتابان - درخشان • فروزان •
 آفتابی - سرخگون • فروزان • رخشنده
 آفرازه - زبانه آتش •
 آفروزه - درخشان • فروزنده • آتشنز
 آلاو - (مانند سامان) : زبانه آتش •
 آوه - (مانند کاوه) : کوره آتش •
 آویس - آتش • آذر • آر • آتور •
 آیشم - (مانند بایست) : ماهتاب •
 آبیژك - (مانند کامی فر) : زبانه آتش
 اتون - (مانند همون) : آتش •
 اتون بخت - بخت آتشین • نیکبخت
 اتون داد - داده آتش • آتشین •
 اتون زاد - آفریده آتش •
 اتونه - آتش •
 اتونه دخت - دختر آتش •
 اخگر - تابان • ریزه آتش •
 اخگرزا - آفریننده آتش • تابنده •
 اوروخش - (مانند سودبخش) : درخشان
 اروس - (مانند ملوس) : سفید • زیبا
 و درخشان • خوش اندام •
 افرازه - زبانه آتش •
 افرد - (مانند سرهنگ) : فروغ • پرتو
 افروخته - آتش شده • پراخگر •
 افروز - فروغ و رخسندگی •
 افروزان - تابان • رخشان •
 افروز بانو - بانوی پر فروغ و تابان
 افروز دخت - دختر رخشنده و زیبا •

افروزش - افروختگی - روشنایی •
 افروغ - پرتو • تابش • روشنایی •
 افروزه - رخشنده • تابان • آتشگیره •
 افشید - فروغ خورشید • درخشش •
 اور - (مانند سور) : آتش • آذر •
 بامی - درخشان • فروزان • روشن •
 بامیا - پر فروغ • فروزنده • رخشنده •
 بامی بانو - بانوی پر فروغ • فروزان •
 بامی تاج - تاج درخشندگی •
 بامی دخت - دختر رخشندگی •
 بخت افروز - دارنده بخت بزرگ •
 خجسته • خوشبخت •
 بروازه - (مانند دروازه) : آتشی که
 پیشاپیش اروس بر میافروزند •
 بوختار - فروغ و روشنایی •
 به آذر - آتش فروزان و برتر •
 بهتاب - فروزان • رخشان •
 بهشید - رخشنده • تابان •
 بهفروز - نیک افروخته • روشن •
 بهفروغ - نیک پرتو • فروزنده •
 به نار - آتش نیک • نژاده • باتبار •
 بیدخت - رخشان • ستاره ناهید •
 پاکروز - خوشبخت • شاد • روشن •
 پرتو - فروغ • روشنایی • رگه فروزش •
 پرتو آفرید - آفریده فروغ •
 پرتو آفرین - زاده روشنایی •

پرتوبانو - بانوی رخشندگی و فروغ •
 پرتوتاج - تاج روشنایی و رخشندگی •
 پرتودخت - دختر روشنایی و فروغ •
 پر فروغ - روشن • فروزان • تابان •
 پروک - (مانند بکوش) : درخشان •
 تابا - فروزان • درخشان •
 تابان - رخشنده • پر فروغ •
 تابان آفرید - آفریده فروزش و پرتو •
 تابان آفرین - زاده روشنایی و فروغ •
 تابان بخت - بخت بلند • خوشبخت •
 تابان تاج - تاج رخشنده • سرور • زیبا •
 تابان دخت - دختر فروزش • پرشکوه •
 تابش - پرتو • رگه های فروغ •
 تابناک - درخشنده • تابان •
 تابنده - فروزنده • فروزان • رخشان •
 تابه زر - خورشید • فروغ فراوان •
 تاپیک - درخشان • تابنده •
 تاج فروز - زیبا • درخشان • گیرا •
 تاج فروغ - نگدبه " تاج فروز " •
 تارا دخت - دختر ستاره رخشان •
 تیرا دخت - دختر ستاره رخشندگی •
 جام تلا - خورشید • رخشندگی •
 جشن آذر - روشنی بخش جشن •
 جشن افروز - فروزنده جشن •
 جشن پرتو - تابان بخش جشن •
 جشن فروز - نگدبه " جشن افروز " •

جشن فروغ - نگدبه " جشن پرتو " •
 جویا فروغ - دوستدار روشنایی •
 چتر زرین - آفتاب • فروغ • فروزش •
 چتر سیمین - ماه شب چهارده •
 چراغ - روشنایی - فروغ •
 چراغک - چراغ دوست داشتنی •
 چرغنده - (مانند رخشنده) : چراغ •
 چلچراغ - روشن افروز • پر فروغ •
 خوش آذر - آتش نیک •
 خوشتاب - رخشنده • فروزان • زیبا •
 خوش فروز - نگدبه " خوشتاب " •
 خوش فروغ - " نگدبه " خوشتاب " •
 داد افروز - آفریده روشنایی •
 داد فروز - داده فروغ و رخشندگی •
 دامن فروغ - سرشار از روشنایی •
 درخش - رخشندگی • فروغ • آذرخش •
 درخشینه - رخشندگی • فروزش •
 دیمه - (مانند بیمه) : روشنی • فروغ •
 و رخشندگی • شبنم • باران نرم •
 رخشا - روشن • پر فروغ • پر پرتو •
 رخشان - پرتوافکن • تابان •
 رخشانه - فروغ آور • روشنی بخش •
 رخشنده - درخشان • فروزان •
 رخسان - (مانند پردان) : فروغ •

رخسانه - درخشان • تابان •
 رگسان - نگدبه " رخسان " •
 رگسانه - نگدبه " رخسانه " •
 روز آفرید - آفریده روشنایی و فروغ •
 روز آفرین - نگدبه " روز آفرید " •
 روز چک - رخشان • روشن • پر فروغ •
 روز تاج - تاج روشنایی •
 روز دخت - دختر روشنایی و فروغ •
 روز گرد - (مانند جورکرد) : آفتاب •
 روزگون - روشن مانند روز •
 روشن - فروغ و روشنایی • فروزش •
 روشن - تابان • فروزان •
 روشنا - درخشندگی • فروغ •
 روشناک - تابان فروزنده •
 روشن بانو - بانوی درخشنده و تابان •
 روشن تاج - فر روشنی •
 روشن دخت - دختر فروزندگی •
 روشناک - فروزش دوست داشتنی •
 روشنگه - پرتو افشان • پر فروغ •
 ژابیر - زبانه آتش • اخگر •
 ژابیز - نگدبه " ژابیر " •
 ژابیژ - " نگدبه " ژابیر " •
 ژابیژ دخت - دختر اخگر •
 ژاسر - نگدبه " ژابیر " •
 ژوزه - آتش زیر خاکستر •
 سپیتام - روشن • پر فروغ • فروزان •

سپیتان آفرید - آفریده رخسندگی .
 سپیتام آفرین - زاده فروزش و فروغ
 سپیتام بانو - بانوی درخشش و فروغ
 سپیتام تاج - تاج روشنایی و فروزانی
 سپیتام دخت - دختر روشنایی .
 سپیده - پگاه . روشنی بام - داد .
 سپیده آفرید - آفریده پگاه .
 سپیده آفرین - زاده روشنایی .
 سپیده تاج - شکوه فروغ بامدادی .
 سپیده دخت - دختر سپیده .
 سپیده داد - آفریده پگاهان .
 سوزان - روزنده . گرمابخش .
 سوزان بانو - بانوی گرمابخش .
 سوزان تاج - تاج مهر و گرما .
 سوزان دخت - دختر اخگر و گرما .
 سوزنده - پر گرما . پر شور .
 شادروز - خرم روز . نیکبخت .
 شادی فروز - فروزنده شادی .
 شادی فروغ - دلشادی . خرمی . فر
 خرمی . شادی درخشان .
 شبآویز - نشان سترگان . مرغ شب .
 شب افروز - پرفروغ . پرتو . نام
 شیرین دل داده فرهاد .
 شب تاب - پر درخشش . روشن .
 شب چراغ - گوهر .
 شب فروز - رخسندگی . فروزان .
 شهاب - تابنده . پر فروغ .

شید - روشنی . رخسندگی . تابش .
 شید آفرید - آفریده روشنایی و فروغ .
 شید آفرین - زاده رخسندگی و تابش .
 شید افشان - روشنی بخش . فروزان
 شیدان - روشن . فروزان .
 شیدان بانو - بانوی رخسندگی .
 شیدان تاج - فرو و شکوه رخسندگی .
 شیدان دخت - دختر درخشان .
 شیدان شید - فروغ درخشان .
 شیدانه - رخشان . فروزان .
 شیدبانو - بانوی فروغ و تابندگی .
 شید بر - زیبا . خوشگل . پرفروغ .
 شید بخت - نیکبخت . فرخنده .
 شیدتاب - تابنده . پرتوافکن .
 شید دخت - دختر فروغ .
 شید ناب - روشنایی شکوهمند .
 شیدفش - فروزنده . تابان .
 شیدوش - نگه به " شیدفش " .
 شیده - رخسندگی . روشن . تابنده .
 فرشیده - شکوه روشنایی .
 فر سو - برتر از فروغ .
 فر فروز - شکوه روشنایی .
 فر فروغ - نگه به " فر فروز " .
 فرگون - رخشان . پرفروغ .
 فروز - روشن . تابان .
 فروزا - رخشان . تابان .
 فروزان - نگه به " فروزا " .

فروز بخت - روشن بخت . نیکبخت .
 فروزش - تابش . فروغ .
 فروزنده - تابنده . رخشان .
 فروزین - درخشان . رخسندگی .
 فروزینه - آتشنه . فروزان .
 فروزه - رخسندگی . تابش .
 فروزیده - برافروخته . روشن .
 فروغ - پرتو . روشنایی .
 فروغ افشان - پرتوافکن . رخشان .
 فروغ انگیز - روشنگر . رخشان .
 فروغ آفرید - آفریده . ده . فروغ .
 فروغ آفرین - زاده روشنایی .
 فروغ بانو - بانوی فروزش .
 فروغ بخت - روشن بخت . نیکبخت .
 فروغ دخت - دختر تابش و رخسندگی
 فروغمند - پر فروغ . تابنده .
 فرهور - درخشان . تابان .
 گلتاب - فروغ گل . گل رخسندگی .
 گل رخش - بسیار رخشان .
 گوهر تاب - تابش گوهر .
 گوهر شید - درخشش گوهر .
 گوهر فروز - گوهر فروزان .
 گهر تاب - نگه به " گوهر تاب " .
 گهر شید - " نگه به " گوهر شید " .
 گهر فروز - نگه به " گوهر فروز " .
 لپان - (مانند میان) : رخشان .
 لپان آفرید - آفریده فروغ .

لپان آفرین - زاده فروزش و روشنی
 لپان بانو - بانوی فروغ و رخسندگی
 لپان تاج - تاج درخشش و تابندگی
 لپان دخت - دختر فروزش .
 لیان - درخشان . نام بوشهر .
 لیان آفرید - آفریده فروغ .
 لیان آفرین - نگه به " لیان آفرید " .
 لیان بانو - بانوی رخسندگی .
 لیان دخت - دختر درخشندگی .
 لیانه - رخشان . فرشید .
 ماه پایه - ستون روشنایی ماه .
 مهین آر - آتش بزرگ سربرکشیده .
 مینو آذر - بهشت گرم و آتشین .
 نار آفرید - آفریده آتش .
 نار آفرین - زاده آذر .
 ناربانو - بانوی آتشین .
 نار تاج - فر و شکوه آتش .
 نار داد - زاده آتش .
 نار دخت - دختر آتشین .
 نارفش - همانند آتش -
 نارگون - همانند آتش .
 نارگونه - مانند آتش .
 ناروش - همانند آتش .
 نیک تاب - درخشندگی . برجسته .
 نیک روز - فرخنده . شاد . روشن .
 نیک فروز - درخشندگی . فروزان .

نيك فروزان - رخشان • پرفروغ •

وخش - روشنايي • درخشش •
وخشه - تابش • درخشندگي •
وراغ - (مانند زمان) : آتش • فروغ •
روشنايي • درخشش •
وراغه - نگه به " وراغ " •
ورتاج - خورشيد • نيلوفر •
ورزم - (مانند مرهم) : زبانه آتش •
گل آتش •
ورغ - (مانند برگد) : فروغ • روشنايي •
ورغ آفريد - زاده فروغ •
ورغ آفرين - نگه به " ورغ آفريد " •
ورغ بانو - بانوي فروغ •
ورغ تاج - شكوه روشنايي •
ورغ داد - زاده فروزش و روشني •
ورغ زاد - نگه به " ورغ داد " •
ورغينه - رخشنديگي و تابش •

هورخش - (مانند هومند) : نيسك

روشن • فروزان • درخشان • آفتاب •
هوشبام - بامداد • سپيده دم •
هوشبام آفريد - زاده بامداد •
هوشبام آفرين - آفريده سپيده دم •
هوشبام بانو - بانو سپيده گاه •
هوشبام تاج - تاج پگاهان •
هوشبام داد - زاده بامداد •
هوشبام زاد - آفريده سپيده دم •

هوشبام دخت - دختر سپيده گاهان •

هیر

هیر - آتش •
هیر آفريد - آفريده آتش •
هیر آفرين - نگه به " هیر آفريد " •
هیر افروز - برافروزيده آتش •
هیر بانو - بانوي آتشين •
هیرتاب - تابش آتش •
هیرتاج - شكوه آتش •
هیرتارا - آتش ستاره • ستاره آتشين •
هیر تيرا - نگه به " هیرتارا " •
هیرداد - آفريده آتش •
هیردخت - دختر آتش •
هیردم - آتش دم • پرمهر و گرمابخش •
هیرروز - آتش روز • نيکبخت • شاد •
هیرزاد - آفريده آتش •
هیرقام - همانند آتش •
هیرفروز - افروزيده آتش •
هیر فروغ - پرتو آتش •
هیرگون - همانند آتش •
هیر گوهر - آتشين تبار • والدا •
هیرمان - همانند آتش •
هیريار - دوست آتش •
هیرماه - آتش ماه •
هیرمهر - آتش مهر رخشان •
هیر ناهيد - آتش فرشته باوري •
هیر نيك - آتش پاك و اشويي •
هیرفش - همانند آتش •